

امکان ایجاد سینمای دینی

قسمت اول - مهرداد فرید، رضا سالک

اندیشه‌های راه‌گشای نوین است.

بی‌تردید این پژوهش، بدون مشارکت و هم‌فکری مجدانه ۱۴۵ تن از اهالی سینما، به سر منزل مقصود نمی‌رسید و جا دارد از لطف و توجه همه این عزیزان تشکر و قدردانی کنیم. تحقیق مورد اشاره به صورت پیمایشی و از طریق توزیع پرسشنامه بین نمونه‌ای از دست‌اندرکاران سینما، صورت گرفته که شامل گروه‌های ذیل است:

- ۱- منتقدان و نویسندگان سینمایی مطبوعات
- ۲- مدرسان رشته‌های مربوط به سینما در مراکز آموزش عالی
- ۳- کارگردانان سینما
- ۴- تهیه‌کنندگان سینما
- ۵- فیلمنامه‌نویسان
- ۶- مسؤولین دولتی سینما که به نحوی در ممیزی و سیاست‌گذاری سینمای ایران دخیل هستند
- ۷- دانشجویان و هنرجویان سینما
- ۸- دین‌شناسان که شامل طلاب و مدرسین علوم دینی می‌شوند.

گمان ما بر این است که این هشت گروه، مستقیم یا غیرمستقیم، شریان فکری سینمای ایران را به دست دارند.

سینما با وجود ملامت‌ها و پیوندهای مقطعی با معنویت، هرگز مجالی برای یک جریان معنوی قدرتمند با نشان سینمای دینی نداده است. مرور تاریخی سینمای کشور نیز نشان می‌دهد که اگرچه وقوع انقلاب اسلامی، فرصتی ناب و تاریخی برای سینمای ایران فراهم کرد تا فیلمسازان فکور و اندیشمند جامعه، با حسن استفاده از این غنیمت‌گران مایه، به خلق فیلم‌های فرهنگی و دینی بپردازند، اما متأسفانه به دلیل عدم وجود پشتوانه‌های تئوریک و چارچوب‌های نظری و کارشناسانه، اثری از بنای عظیم سینمای دینی به چشم نخورده و حتی چشم‌انداز بنای چنین سینمایی نیز ترسیم نشده و روشن نیست.

مقاله‌ای که پیش‌روی شماست، شاید تلاش کارشناسانه‌ای باشد که حاصل هم‌اندیشی و تلاشی جمعی در زمینه سینمای دینی است. این مقاله متکی به تحقیقی است که در سال ۱۳۷۵ آغاز و در دومین هم‌اندیشی دین از چشم سینما، عرضه شد. این بخش بسان میزگردی می‌ماند که اغلب صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران سینمای کشور به دور آن حلقه زده‌اند و به تشریح مساعی، مشورت و هم‌فهمی درباره امکان وجودی سینمای دینی و تعاریف و ویژگی‌های چنین سینمایی پرداخته‌اند. حاصل همه‌اندیشه‌ها و نظرات، در فرایندی علمی، تئوریزه شده و به صورت نظریه‌ای بنیادی و کاربردی ارائه گردیده است؛ و صد البته که محتاج گام‌های بعدی و تشنه

گویه‌های پرسشنامه، جملاتی‌اند که به نحوی در برگزیده مقالات و بیانات ارائه شده در خصوص «سینمای دینی»، در نشریات، سمینارها و کتب سینمایی است. پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه، میزان توافق و مخالفت خود را در خصوص گویه‌های بخش دوم، در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، اعلام کرده‌اند. برای استخراج نتایج این تحقیق، از آزمون‌های آماری آزمون 1، آزمون تحلیل یک سویه واریانس و آزمون «شیفه» (برای بررسی تفاوت‌های معنی‌دار نظرات گروه‌های پاسخ‌گویان) به عمل آمده است. در این قسمت از مقاله صرفاً به تجزیه و تحلیل آراء پاسخ‌دهندگان در خصوص امکان ایجاد سینمای دینی می‌پردازیم.

امکان ایجاد سینمای دینی

دیدگاه‌های موجود در زمینه امکان به وجود آمدن سینمای دینی از چند زاویه قابل طرح است. دیدگاه‌های منکر تحقق سینمای دینی معتقدند هنر دینی می‌بایست خاستگاه و خواستگاهی در جامعه دینی باشد تا ساختار و محتوایی دینی داشته باشد بنابراین چون سینما در بستر فرهنگ غیردینی و ضددینی غرب تولد و رشد یافته نمی‌تواند دینی باشد. براین اساس سینما ذاتاً شرور بوده و با دین و معنویت متعارض است و نمی‌تواند به نادیدنی‌ها و از جمله متافیزیک راه یابد، بلکه تنها می‌تواند به واقعیات مادی، عینی و ملموس تکیه کند.

فعلاً در این تحقیق در مقام رد و یا اثبات پایه‌های فلسفی و منطقی این استدلال‌ها نیستیم. آن چه در این جا انجام داده‌ایم، بیان این دیدگاه در چهار گویه جدا از هم است. به گونه‌ای که هر کدام از این گویه‌ها به صورت گزاره‌هایی مبین نقی یا اثبات امکان ایجاد سینمای دینی از همین زاویه است. در این افکارسنجی، موافقت یا مخالفت اهالی جامعه آماری ما، مشخص خواهد کرد که این دیدگاه، چه جایگاهی در میان اهالی سینمای ایران دارد. یافته‌های تحقیق در این باره به طور جداگانه در ذیل آمده است:

۱- در گویه اول با تأکید بر این که «تصویری بودن سینما نباید ما را بر آن دارد که بیندازیم میان سینما و معنویت تعارضی آشتی‌ناپذیر است»، نتیجه گرفته شده بود که این تصویر می‌تواند تماماً و مطلقاً در خدمت معنا و محتوا باشد. از بین ۱۴۰ نفر پاسخ‌گو تنها ۴ نفر نظر خویش را نسبت به این گویه مشخص ننموده‌اند. از مجموع ۱۲۶ نفر، تعداد ۱۰۷ نفر، یعنی ۷۸/۷ درصد با این عبارت موافق هستند و تنها ۷ نفر با این نظریه مخالف هستند. هم چنین نظر ۲۲ نفر ممتنع بوده و نظر خاصی ابراز نداشته‌اند. بنابراین با توجه به میانگین به دست آمده که برابر با عدد ۴/۰۸ است، می‌توان نتیجه گرفت که دست‌اندرکاران، صاحب‌نظران و دانشجویان رسانه سینما، میان سینما و معنویت تعارضی مشاهده ننموده و معتقدند که این تصویر می‌تواند تماماً و مطلقاً در خدمت معنا و محتوای معنوی باشد.

برای بررسی تفاوت پاسخ‌گویان سنین مختلف در خصوص این عبارت، آنها را به سه دسته سنی تقسیم کردیم:

۱- کم تر از ۲۴ سال (یعنی کسانی که به اقتضای سن، در آغاز راه فعالیت‌های سینمایی قرار دارند و هنوز پختگی لازم را به لحاظ حرفه‌ای کسب نکرده‌اند).

۲- ۲۵ تا ۳۸ سال (این افراد کسانی هستند که به اقتضای سن، الزاماً پس از انقلاب اسلامی امکان فعالیت حرفه‌ای در عرصه سینمای ایران، داشته‌اند).

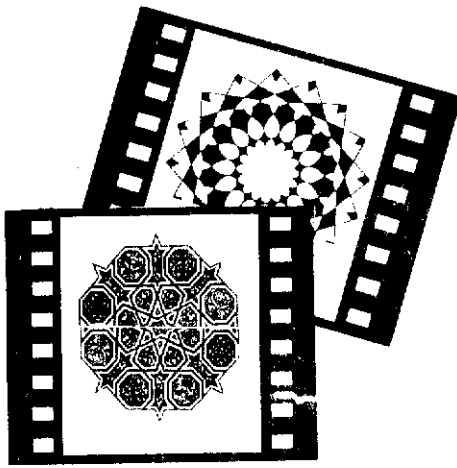
۳- ۳۹ سال به بالا (این افراد به اقتضای سن، علاوه بر سینمای بعد از انقلاب، امکان فعالیت در سینمای قبل از انقلاب را نیز داشته‌اند).

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری در این زمینه نشان می‌دهد که بین گروه اول با دیگر گروه‌ها تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر، در حالی که پاسخ‌گویان بالاتر از ۲۵ سال با این عبارت موافق هستند، نظر افراد کمتر از ۲۴ سال تقریباً به سمت موافقت میل می‌کنند. میانگین نظرات گروه دوم برابر ۴/۱۳ و گروه سوم برابر ۴/۲۸ می‌باشد در حالی که میانگین نظرات گروه اول ۲/۸ است و نشانگر موافقت کم تر با این عبارت است.

۲- مخالفت پاسخ‌گویان با گویه دوم، در واقع موافقت مؤکد با گویه اول است، چرا که در این عبارت براساس این پیش فرض که «هنر هنری نمی‌تواند دینی باشد و هنرهای دینی، تنها آن دسته از هنرها هستند که از آغاز خواستگاه و خاستگاهشان دین و جامعه دینی باشد و ساختار و محتوای هر دو متأثر از دین باشد»، نتیجه گرفته شده که «سینما نمی‌تواند دینی باشد». میانگین حاصله برای ۱۲۴ نفری که میزان موافقت و مخالفت خود را با این عبارت مشخص ننموده‌اند، برابر ۲/۲ است. این میانگین نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران سینما اعتقاد ندارند که هنرهای دینی، تنها آن دسته از هنرهایی هستند که خواستگاه و خاستگاهشان دین و جامعه دینی است.

نتایج حاصله از آزمون‌های آماری نشان می‌دهد که در خصوص عبارت مورد بحث بین عوامل امور نظارتی و اجرایی سینمای کشور و سایر دست‌اندرکاران سینما تفاوت نظر وجود دارد. به این ترتیب که عوامل امور نظارت (با میانگین ۱/۴۶) بیش از سایرین (با میانگین ۲/۲۸) با این گویه مخالفند.

هم چنین بین نظر آن دسته از پاسخ‌گویان که بیش از یک بار در ماه به سینما می‌روند و کسانی که کمتر از فصلی یک بار به سینما می‌روند تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر میانگین برابر ۱/۷۹ برای گروه اول و میانگین برابر ۲/۴۹ برای گروه دوم نشان می‌دهد آن دسته از افراد که فیلم‌های بیش‌تری از سینمای ایران را به تماشا می‌نشینند نسبت به تحقق سینمای دینی اطمینان بیش‌تری دارند. در حالی که سایرین، یعنی کسانی که کم تر به تماشای فیلم‌های سینمای ایران می‌نشینند با میزان کم‌تری چنین



بررسی دیگری در مورد این گویه نشان می‌دهد، کسانی که به هنگام تماشای فیلم بیش از سایر جوانب به جنبه تکنیکی فیلم توجه می‌کنند (با میانگین ۳/۵) تا حدودی بر این باورند که هنرهای دینی زادگاه و خاستگاه دینی می‌طلبند فلذا سینما نمی‌تواند دینی باشد. اما پاسخ‌گویانی که محتوای اساسی و ضمنی فیلم را بیش از جنبه‌های دیگر فیلم مورد توجه قرار می‌دهند (با میانگین ۱/۶) با شدت با این دیدگاه مخالف هستند

۳- مخالفت قاطع (میانگین برابر ۱/۹۶) عوامل و صاحب‌نظران سینما با عبارت بعدی نیز حائز اهمیت است. پاسخ‌گویان با اکثریت قاطع معتقدند که سینما به نادیدنی‌ها و از جمله متافیزیک و دین راه یافته و تنها با واقعیات ملموس و عینی سر و کار ندارد. ۸۱/۲ درصد از مجموع نمونه‌های تحقیق بر این نظر صحنه گذاشته‌اند که سینما می‌تواند به عالم متافیزیک پرداخته و به مضامین ذهنی و غیر ملموس نیز بپردازد.

در خصوص این گویه بین گروه سنی اول (کم‌تر از ۲۴ سال) و دو گروه سنی دیگر تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق نتایج حاصله گروه سنی اول (با میانگین برابر ۲/۲۷) کم‌تر از گروه دوم (بین ۲۵ تا ۳۸ سال) با میانگین ۱/۷۵ و گروه سوم (بیش از ۳۹ سال) با میانگین برابر ۱/۷۱، به مخالفت با این دیدگاه پرداخته است. یعنی آنها با این عبارت که «سینما راهی به متافیزیک و دین ندارد» مخالفت کم‌تری ورزیده‌اند. به این ترتیب کسانی که در عرصه سینما مجال بیش‌تری برای فعالیت داشته‌اند، بیش‌تر از جوان‌ترها، اعتقاد دارند که سینما صرفاً با واقعیت ملموس و عینی سر و کار نداشته و به نادیدنی‌ها از جمله متافیزیک و دین راه دارد.

بررسی‌ها هم چنین نشان می‌دهد افراد کم‌تر از لیسانس در خصوص این گویه نسبت به سایرین وضعیتی مشابه پاسخ‌گویان جوان‌تر مورد تحقیق دارند. یعنی بین میانگین نظرات پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کم‌تر از لیسانس و پاسخ‌گویان لیسانسه، پاسخ‌گویان دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر و هم چنین طلاب علوم دینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

نتایج آزمون و میانگین‌های حاصله به شرح زیر است:

۲/۲۶ - میانگین نظرات پاسخ‌گویان دارای تحصیلات کمتر از لیسانس

۱/۷۸ - میانگین نظرات پاسخ‌گویان لیسانسه

۱/۵۱ - میانگین نظرات پاسخ‌گویان فوق لیسانس و بالاتر

۱/۵۲ - میانگین نظرات پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دینی

بررسی تفاوت میانگین نظرات پاسخ‌گویان دارای مشاغل مختلف درباره این گویه نیز نشان می‌دهد بین میانگین نظرات شاغلین در مشاغل غیر سینمایی و روحانیون و مدرسین علوم دینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر کسانی که رسماً در مشاغل غیرسینمایی اشتغال دارند اما به طور غیر رسمی در عرصه سینما فعالند با میانگین برابر ۲/۳۱ مخالفت کمتری را در خصوص

صنّف‌های اصلی سینمای ایران، در مجموع، در خصوص امکان ایجاد سینمای دینی، خوشبین هستند و با قاطعیت سینما را در تعارض با دین یا مفاهیم دینی و معنوی نمی‌دانند.

این عبارت، نسبت به روحانیون و مدرسین علوم دینی با میانگین برابر ۱/۲ ابراز می‌دارند.

هم چنین نتایج نشان می‌دهد بین کسانی که بیش از سایر رسانه‌ها از تلویزیون استفاده می‌کنند و کسانی که از کتاب به عنوان اولویت اول رسانه‌ها، استفاده می‌کنند تفاوت معنی‌داری وجود دارد میانگین نظرات گروه اول برابر ۲/۳۴ بوده، در حالی که میانگین نظرات گروه دوم در خصوص این گویه برابر ۱ می‌باشد که نشانگر مخالفت کامل با این دیدگاه یا عبارت است.

بررسی‌های دیگری در مورد میانگین نظرات پاسخ‌گویان براساس جنبه‌های مورد توجه به هنگام تماشای فیلم، در خصوص این عبارت نشان می‌دهد آن دسته از افراد که تنها جنبه‌های تکنیکی فیلم را مورد توجه قرار می‌دهند، با میانگین برابر ۳/۳۳ نسبت به این دیدگاه موضعی خنثی دارند. اما پاسخ‌گویان دیگری که در هنگام تماشای فیلم بر محتوای اساسی و ضمنی فیلم تمرکز داشته و یا کسانی که همه جنبه‌های فیلم را مورد توجه قرار می‌دهند با میانگین‌های برابر ۱/۸۱ و ۱/۸۸ به مخالفت با این دیدگاه می‌پردازند. و برخلاف دسته اول معتقدند که سینما فقط با واقعیات ملموس سر و کار نداشته و می‌تواند به نادیدنی‌ها از جمله متافیزیک و دین راه یابد.

براساس نتایج دیگر در این باره، بین منتقدان سینمای کشور نیز (با میانگین برابر ۱/۷۵) و سایرین (با میانگین برابر ۲/۱۱) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر منتقدان بیش از سایرین به مخالفت با این دیدگاه پرداخته‌اند.

۴. پاسخ‌گویان با این عبارت موافق هستند که «سینما ذاتاً

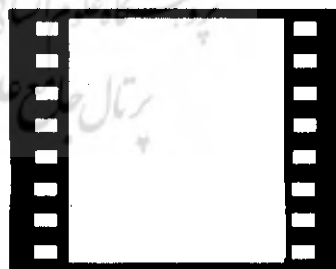
ابزار شر و فساد نیست و می‌توان با طرح مضامین اخلاقی، سینمای دینی داشت». میانگین حاصله در خصوص این دیدگاه برابر ۳/۹ بوده و تنها ۵/۲ درصد از کل پاسخ‌گویان با این عبارت مخالفند و ۷۲/۴ درصد از کل پاسخ‌گویان با این دیدگاه موافق هستند.

با بررسی میانگین‌های افرادی که در عرصه‌های مختلف سینما فعالند، مشخص شد که مدرسان سینما نسبت به سایرین در زمینه این گویه تفاوت دیدگاه دارند. به این ترتیب مدرسان سینما با میانگین برابر ۳/۴ در این باره که سینما ذاتاً ابزار شر و فساد نیست نظری تقریباً خنثی دارند در حالی که سایرین با میانگین برابر ۳/۹۷ با این گفته مخالفند و معتقدند که با طرح مضامین اخلاقی، می‌توان سینمای دینی داشت.

نتایج تحقیق می‌تواند خیال همه را راحت کند که سینمای ایران به آغوش باورها، اعتقادات و کلاً فرهنگ ملی و مذهبی مردم بازگشته است

بررسی‌های دیگر نشان می‌دهد که فیلمنامه‌نویسان با میانگین ۴/۱۲ در برابر سایرین با میانگین ۳/۷۸ در مورد این دیدگاه تأکید بیشتری دارند و معتقدند سینما فاقد شر و فساد ذاتی است و بیش از دیگران به تحقق سینمای دینی از طریق طرح مضامین اخلاقی، امید دارند.

در مورد این دیدگاه نتایج دیگری نشان می‌دهد کسانی که معمولاً به تماشای فیلم‌های مطرح خارجی می‌پردازند (با میانگین ۳/۶۷) نسبت به کسانی که گاهی اوقات به تماشای این فیلم‌ها



اگر دو عامل «کتابخوان بودن و داشتن تحصیلات عالی» شاخص فرهیختگی افراد باشد، می‌توان نتیجه گرفت، هرچه افراد فرهیخته‌تر می‌شوند، بیش‌تر معتقد می‌شوند که سینمای دینی تحقق‌یافتنی است

می‌پردازند (با میانگین ۴/۰۸) با این دیدگاه و عبارت مربوطه، تفاوت نظر دارند.

به این ترتیب کسانی که معمولاً به فیلم‌های مطرح خارجی دسترسی دارند با شدت کم‌تری باور دارند که سینما ذاتاً شرور نیست. این شاید به نوعی نمایش‌دهنده آثار فرهنگی فیلم‌های خارجی بر پندارها، باورها و بینش‌های افراد درباره مسایل گوناگون از جمله خود «رسانه سینما» باشد.

هم چنین با استفاده از امکانات نرم‌افزار SPSS از مجموع چهار عبارت یاد شده، یک شاخص یا مقوله با عنوان «امکان سینمای دینی» ساخته شد. سپس میانگین نظرات کل پاسخ‌گویان در مورد شاخص محاسبه شد. این شاخص در واقع جمع‌بندی دیدگاه‌ها درباره چهار گویه پیشین به شمار می‌رود.

در مرحله بعد تفاوت افراد با ویژگی‌های مختلف در مورد این شاخص محاسبه و مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این بررسی نشان می‌دهد، به طور کلی عوامل و دست‌اندرکاران سینما نسبت به امکان وجودی سینمای دینی، نظر مثبتی داشته و میانگین برابر با ۴ بیانگر این مدعاست.

بررسی‌ها درباره این شاخص جدید نشان می‌دهد که فیلم‌نامه‌نویس‌ها و کسانی که به امور نظارتی و اجرایی سینما مشغول هستند بیش از سایرین معتقدند که سینمای دینی امکان وجود دارد. فیلم‌نامه‌نویسان با میانگین ۴/۱۵ نسبت به سایرین با میانگین ۳/۸۶ و شاغلین در امور نظارتی و ممیزی با میانگین ۴/۰۳ نسبت به بقیه با میانگین ۳/۹۲ بر امکان وجودی سینمای دینی اصرار بیش‌تری می‌ورزند.

نتایج حاصل از آزمون‌های آماری در این باره نشان می‌دهد که بین میانگین نظرات افراد دارای تحصیلات کم‌تر از لیسانس و سایر گروه‌ها در مورد امکان وجودی سینمای دینی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر این گروه (با میانگین برابر ۳/۷) کم‌تر از سایر گروه‌ها نسبت به امکان وجودی سینمای دینی توافق دارند این در حالی است که میانگین تحصیل‌کردگان برابر با لیسانس و بالاتر برابر ۴/۱ و طلاب علوم دینی برابر ۴/۴ است که بیانگر موافقت قطعی آنها با امکان وجودی سینمای دینی است.

نتایج حاصل از این آزمون بیانگر این است که بین هنرجویان انجمن سینمای جوان (با میانگین ۳/۱۶) و طلاب و روحانیون (با میانگین ۴/۴۶) تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به این ترتیب در حالی که میانگین نظرات هنرجویان سینمای جوان در خصوص سینمای دینی، تقریباً به سمت موافقت میل می‌کند، میانگین نظرات طلاب و روحانیون موافقت قطعی را با امکان وجودی این سینما نشان می‌دهد.

آزمون‌های انجام شده دیگر در خصوص تفاوت میانگین نظرات گروه‌های سنی در این باره نشان می‌دهد که پاسخ‌گویان کم‌تر از ۲۴ سال (با میانگین ۳/۷) نسبت به پاسخ‌گویان ۲۵ تا ۳۸ ساله (با



این نکته نتیجه‌گیری ما را در زمینه تطهیر سینمای ایران از زاویه دیگری تصدیق می‌کند. نتایج این تحقیق هرگونه بدبینی را نسبت به خانواده سینما - دست کم قسمت اصلی اهالی سینما - غیرمنصفانه می‌نمایاند. امروز از جانب اهالی جریان ساز سینما شرایط مهیاست تا سینمای دینی نمو کند. از اینجا به بعد همه چیز به عهده سیاست‌های سنجیده مسؤولین اجرایی سینمای کشور است. سیاست‌های صحیح آنها می‌تواند شرط کافی برای این نمو باشد.

۲. نتایج تحقیق در سه جای مختلف تأکید کرده، نسل جوان سینماگران کشورمان نسبت به تحقق سینمای دینی کمی مردد هستند و با اطمینان کمتری از امکان ایجاد چنین سینمایی سخن گفته‌اند. این در حالی است که حتی کسانی که به اقتضای سن، دوران نفسانی سینمای ایران پیش از انقلاب را تجربه کرده و در آن دوران تنفس کرده‌اند، با استحکام نظر و اعتقاد راسخ، به امکان تحقق سینمای دینی باور دارند. اگر نتایج این تحقیق نبود شاید گمان‌ها عکس این ماجرا را نشان می‌داد. به هرحال انتظار این بود نسلی که کودکی و نوجوانی خود را در سالهای پس از انقلاب سپری کرده، به لحاظ تعلیم و تربیت، چنان بار آمده باشد که نسبت به سینمای دلخواه انقلاب اسلامی، معتقدتر از همه باشد و نیز توقع این بود که سینماگران بازمانده از رژیم گذشته، نسبت به چنین سینمایی سست‌جاورتر باشند. اما این تحقیق عکس ماجرا را نشان می‌دهد. با این وصف آینده سینمای ایران در دستان کسانی خواهد بود که باورهای سستی درباره سینمای دینی دارند. البته نمی‌توان احتمال دیگری را نادیده گرفت و آن این که جوان‌ترها اصولاً با این گونه مباحث که پایه‌های فلسفی دارند، ناآشنا ترند. به این معنا که از اساس از گویه‌های چهارگانه مورد بحث، درک کاملی نداشته‌اند. و به همین دلیل نظراتشان به سمت خنثا بودن و بی‌نظری میل کرده است.

در هر دو حالت ثابت می‌شود نظام تعلیم و تربیت، هم در دانشگاه‌ها و هم در پیش از دانشگاه (مثل انجمن سینمای جوان) نتوانسته از عهده وظیفه خود برآید. نتایج تحقیق در دو جاب فرض ما تأکید کرده است؛ هنرجویان و کسانی که تحصیلات دانشگاهی کم‌تری دارند، با وجود آن که درباره امکان تحقق سینمای دینی نظر موافق دارند، اما اطمینان و اعتقادشان نسبت به سایرین ضعیف‌تر است. دیدگاه‌های تقریباً خنثای مدرسان سینما نیز در این باره که آیا سینما ذاتاً ابزار شر است، می‌تواند نگران‌کننده باشد. دیدگاه آنها به دلیل نگاه علمی و دانشگاهی‌شان از اعتبار بیش تری برخوردار است. برای همین تردیدشان در این باره ممکن است زیربنای تئوریک موضوع را برای هنرجویان و دانشجویان سینما متزلزل سازد. شاید به همین دلیل موافقت هنرجویان و کسانی که هنوز در ابتدای راه آموختن و تجربه سینما هستند، با امکان وجود سینمای دینی، نسبت به سایرین از قاطعیت و اطمینان کم‌تری برخوردار است. گویی رأی خنثای مدرسان سینما به گونه‌ای در آراء هنرجویان و دانشجویان انعکاس یافته و آنها را در این باور نسبت به سایر

انتظار این بود نسلی که کودکی و نوجوانی خود را در سالهای پس از انقلاب سپری کرده، به لحاظ تعلیم و تربیت، چنان بار آمده باشد که نسبت به سینمای دلخواه انقلاب اسلامی، معتقدتر از همه باشد

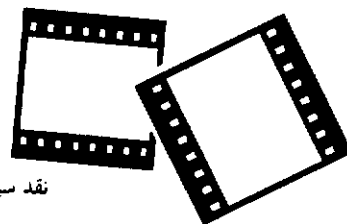
میانگین ۴/۰۶) کم‌تر با امکان وجودی این نوع سینما موافقت دارند. به این ترتیب معلوم می‌شود سینماگرانی که پس از انقلاب امکان فعالیت حرفه‌ای در عرصه سینما را داشته‌اند بیش از سینماگرانی که در سال‌های اخیر (به ویژه به عنوان هنرجویان سینمای جوان) به این عرصه وارد شده‌اند، با امکان وجود سینمای دینی موافق هستند.

نتیجه‌گیری مبحث

کاوش در نتایجی که درخصوص این چهار گویه به دست آمده، نکات ارزنده‌ای را در پیش روی ما می‌گذارد:

۱- صنف‌های اصلی سینمای ایران، در مجموع، درخصوص امکان ایجاد سینمای دینی، خوش بین هستند و با قاطعیت سینما را در تعارض با دین یا مفاهیم دینی و معنوی نمی‌دانند. این وضعیت خوش‌خیم شاید وجه ممیزه سینمای ایران با سینمای جهان است. وجود چنین دیدگاهی، بزرگ‌ترین علامت تطهیر سینمای ایران نسبت به گذشته ناخوشایندش در پیش از انقلاب است. این نتایج قلم بطلانی بر سوءظن‌های سنتی مردم نسبت به سینمای ایران می‌زند. این بخش از نتایج تحقیق می‌تواند خیال همه را راحت کند که سینمای ایران به آغوش باورها، اعتقادات و کلاً فرهنگ ملی و مذهبی مردم بازگشته است. در جایی از این مبحث نیز به مدد آمار تأکید شده است، کسانی که بیش تر به تماشای فیلم‌های ایرانی سینماها می‌روند، بیش از سایرین باور به تحقق سینمای دینی دارند.

امروز از جانب اهالی جریان ساز سینما شرایط مهیاست تا سینمای دینی نمو کند. از اینجا به بعد همه چیز به عهده سیاست‌های سنجیده مسؤولین اجرایی سینمای کشور است



گروه‌های صنفی سینما، یک گام عقب‌تر نگاه داشته است. این ضعف در اطمینان، نسبت به امکان به وجود آوردن سینمای دینی نمی‌تواند از روی دانش باشد. زیرا نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد، آن‌جا که بحث از ورود سینما به مفاهیم دینی و معنوی است، گروهی که از سطح تحصیلات پایینی برخوردارند، در مقابل کسانی که در سطح علمی و دانشگاهی بالایی قرار گرفته‌اند، اعتقاداتشان در این باب ضعیف‌تر است. آن‌چه جالب توجه‌تر است آن است که دارندگان تحصیلات بالاتر از لیسانس، به‌باور امکان تحقق سینمای دینی رسیده‌اند. واضح است که این عده بیش از سایرین اهل تحقیق و مطالعه‌اند و با کتاب بیش تر مأنوس هستند. نمی‌توان این‌گرایش آنها را بنابر دلایلی که قبلاً آمد. محصول نظام آموزش و پرورش در دانشگاه‌ها دانست. بلکه این حالت به آن دلیل است که آنها اهل کتاب و تحقیقند. نتایج تحقیقات ما نیز در جایی، اشاره دارد کسانی که بیش‌تر اهل مطالعه کتاب هستند، نسبت به کسانی که بیش‌تر اهل تماشای تلویزیون هستند، به امکان به وجود آمدن سینمای دینی اعتقاد راسخ‌تری دارند. اگر دو عامل کتابخوان بودن و داشتن تحصیلات عالی، شاخص فرهیختگی افراد باشد، می‌توان نتیجه گرفت، هرچه افراد فرهیخته‌تر می‌شوند، بیش‌تر معتقد می‌شوند که سینمای دینی تحقق‌یافتنی است و هرچه میزان فرهیختگی کم‌تر باشد، از شدت این باور کاسته می‌شود.

نمی‌خواهیم مدرسان سینما را به عدم فرهیختگی متهم سازیم. زیرا آنها نیز بطور مسلم از تحصیلات بالایی برخوردار هستند اما موضوع این است که آنها صرفاً در رشته‌های سینمای و یا دست‌کم مرتبط با سینما تحصیل کرده‌اند. طبیعت کار و دانش آنها این است که بیش‌تر به فرم، ساختار و تکنیک سینما توجه کنند و کم‌تر به محتوا درحالی که سایرین- آنها که تحصیلات بالایی دارند- الزاماً در رشته‌های سینمایی درس نخوانده‌اند. آنها متناسب با طبع‌شان، که برخاسته از همدمی با علوم دیگر است، بیش‌تر به محتوا و مضمون آثار سینمایی توجه دارند. بخشی از نتایج تحقیق به گونه‌ای تحلیل ما را تأیید می‌کند. در جایی از بررسی نتایج این بحث آمده است؛ آنها که به هنگام تماشای فیلم‌ها بیش‌تر به جنبه‌های ساختاری و تکنیکی فیلم‌ها توجه دارند، درخصوص این که آیا سینما می‌تواند دینی باشد، نظر خنثایی از خود بروز داده‌اند در حالی که کسانی که هنگام تماشای فیلم به محتوا توجه می‌کنند، با قاطعیت معتقدند سینما می‌تواند دینی باشد. این به آن دلیل است که فرم‌گراها اصلاً مسأله‌شان پیام نیست بلکه بیش‌تر به ساختار اصالت می‌دهند برای همین می‌توان در آنها مانند مدرسان سینما گرایش به فن‌گرایی پیدا کرد. در این باره شواهد دیگری موجود است که در مباحث آینده به آن اشاره خواهد شد. مضافاً این که گروه‌های دیگری که به اقتضای تمایلاتشان، محتواگرا هستند و به پیام نهفته در فیلم‌ها توجه دارند، درباره سینمای دینی درست‌نقطه مقابل فرم‌گراها قرار گرفته‌اند به عنوان مثال در یافته‌های همین بحث

اشاره شده که روحانیون، اهالی ممیزی سینمای ایران و فیلم‌نامه‌نویسان چنین وضعیتی دارند.

در میان این گروه‌ها طلاب و روحانیون مطمئن‌تر از بقیه نظر داده‌اند لابد این به خاطر گرایش شدید آنها در به خدمت گرفتن رسانه‌ها از جمله سینما برای تبلیغ دین است. فیلم‌نامه‌نویسان از این نظر در مقام بعدی قرار می‌گیرند این نکته فی‌نفسه حائز اهمیت است. زیرا نشان می‌دهد، سینمای ایران به خاطر موقعیت ویژه فیلم‌نامه‌نویسان در سوزه‌یابی، استعداد ویژه‌ای در طرح مضامین معنوی و دینی دارد و اگر تاکنون این استعداد در عمل به درستی شکوفا نشده، می‌بایست ریشه‌های این ناکامی به طور علمی مورد شناسایی قرار گیرد. به هر حال نتایج این تحقیق تأکید می‌کند که فیلم‌نامه‌نویسان بیش از سایرین اعتقاد دارند سینما ذاتاً ابزار شر نیست و می‌تواند در خدمت معنویت، اخلاق و دین قرار گیرد. وجود چنین بینشی نسبت به سینما زمینه مناسبی است تا آنها سعی کنند به طرح مضامین انسانی و دینی در فیلم‌نامه‌هاشان بپردازند.

گروه دیگری که جزو محتواگراها به حساب می‌آیند و به امکان ایجاد سینمای دینی تأکید می‌ورزند، اهالی ممیزی سینمای ایران هستند. آنها به اقتضای شغلشان به محتوا و پیام‌های آشکار و نهان فیلم‌ها توجه دارند. آماز آن‌جا که آنها گذشته از دین، خود را مدافع منافع دولتی سینما نیز می‌دانند در تعاریف، شرایط و مفاد سینمای دینی با سایر گروه‌ها (حتی با روحانیان) دچار اختلاف‌هایی هستند که در مباحث آینده به آنها اشاره خواهد شد.

به استناد اغلب نوشته‌های منتقدان سینمایی در مطبوعات که اغلب به نقد محتوا می‌پردازند، و نیز یک بررسی حاشیه‌ای دیگر، این عده نیز جزو اقشار محتواگرا هستند. منتقدان را در این تحقیق می‌توان چهارمین گروهی دانست که بیش‌تر به پیام و محتوای پیام‌ها توجه دارند. تحقیق ما نیز نشان می‌دهد آنان بیش از سایرین به امکان تحقق سینمای دینی باور دارند. از این زاویه منتقدان سینمای ایران را می‌توان در مقابل فرمالیست‌ها گذاشت.

۳. بررسی‌ها در این بحث گوشزد می‌کند که تصورات افراد، متأثر از منابعی است که از آن ارتزاق می‌کنند. حتی درخصوص امکان ایجاد سینمای دینی نیز چنین است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد کسانی که با فیلم‌های سینمای پس از انقلاب مأنوس هستند، به امکان ایجاد سینمای دینی خوش‌بین‌ترند این در حالی است که آنها که اغلب فیلم‌های مطرح خارجی را به تماشا می‌نشینند، گمان می‌کنند سینما ذاتاً شرور است و قادر نیست محملی برای ارائه مفاهیم و مضامین دینی باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود اندیشه تحقق سینمای دینی نیز نسبی است. و بستگی به آن دارد که چه کسی در این باره سخن بگوید. پس ریشه بدبینی به سینما به تماشای فیلم‌های تولید شده غربی بازمی‌گردد و اگر افراد در معرض آن فیلم‌ها نباشند، و صرفاً فیلم‌های سالم ایرانی را ببینند، این بدبینی را نخواهند داشت.